

جماعت زنان مسلمان تامل نادو:

ما کی هستی و چه می کنیم؟

معرفی سازمان استپس (STEPS) توسط شریفه خانم، پودوکوتای، هند

در مورد خودم

من داوود شریفه خانم هستم. فعال در زمینه ی توانمند سازی زنان، اعتماد بنفس آنان و کمک به آنها تا بتوانند با وقار و عزت نفس به زندگی خود ادامه دهند.

بیشتر از دو دهه است که با موضوعات حقوق زنان سروکار دارم. در خانواده ای نسبتاً سنتی، مسلمان، در طبقه ای متوسط، سطح پایین در جنوب هند بزرگ شدم. بعد از اتمام لیسه به پوهنتون اسلامی آلیگار در شمال هند فرستاده شدم تا دوره ای آموزشی مربوط به منشی گری را فرا گیرم. از کالج بعثت اینکه دانش آموزان دختر مورد تبعیض قرار می گرفتند، بدم آمد و همین سبب بی علاقه ای شدیدی در من به تحصیل گردید. از آنجا گریخته و به شهرم برگشتم. به خانواده های که در همسایگیهایمان زندگی می کردند پیشنهاد تدریس به اطفالشان در مقابل دستمزدی ناچیز، دادم. طولی نکشید که شاگردان زیادی برای گرفتن کمک به من رجوع کردند. ولی زندگی چندان آسان نبود. مادرم که زنی تنها بود از آنچه می کردم ناخرسند بود و برادرانم نیز نگران این بودن که مبادا من موجب بی آبرویی خانواده ی مسلمان و آبرومند خود شوم. با وجود تمام این تنش ها در خانه، من به کار کردن خود اسرار ورزیدم. در آن زمان فقط ۲۲ سال داشتم. در طول این دوره با زنی آشنا شدم که در سازمانی انکشافی کار می کرد. ظاهراً این زن تحت تاثیر استعداد من در فراگیری زبانهای مختلف به غیر از زبان مادری ام - تاملیل - قرار گرفته بود. من زبان انگلیسی و هندی را می دانستم، لذا این زن از من پرسید که آیا علاقه دارم که وی و گروهی از زنان دیگر را در کنفرانسی راجع به سازمانهای زنان شمال هند به حیث مترجم همراهی کنم - زبان هندی به طور گسترده در شمال و نه در جنوب هند صحبت می شود. و من پذیرفتم.

کنفرانس که سومین کنفرانس ملی جنبشهای زنان بود، به نقطه ی عطفی در زندگی من تبدیل شد. من در پانتا (محل برگزاری کنفرانس) غرق در داستانهای این زنان شده بودم، داستانهایی از آزار، درد، حقارت و در مقابل مقاومت، جرات و شوخ طبعی. من دیدم که زنانی از بافت ها گوناگون و با پیشینه های مختلف چگونه گرد هم آمده و با یکدیگر صحبت میکنند و توانسته اند پیوندها و دوستیهای مشترک را بیابند. آنچه از همه بیشتر مرا تحت تاثیر قرار داد این بود که زنان می توانستند جلساتی را برگزار کرده و نظراتشان را با هوشیاری به بحث گیرند و علیه بی عدالتی قد علم کنند. مصمم براینکه من نیز در یک چنین شغلی با زنانیکه با تبعیض و خشونت روبرو شده اند، و آنانیکه نیاز به حمایت و کمک های گوناگون داشته اند کار می کنم، به خانه بازگشتم. آن زمان، سال ۱۳۶۶ بود.

گروهی سازمانی را ایجاد می کنند بنام STEPS : سازمان انکشافی زنان

با بازگشت به خانه من دریافتم که ازینوع گروههای انکشافی در شهر ما و ماحولش به وفور یافت می شود. گروههای که امروزه بنام موسسات غیر دولتی یاد می شوند. من علاقه خود به کار در مورد موضوعات زنان را آشکار ساختم و خیلی زود برای کار بصورت داوطلبانه در موسسات غیردولتی فراخوانده شدم. خیلی زود با اشخاص زیادی آشنا شدم، هم مرد و هم زن و به زودی تصمیم بر این گرفتیم تا گروهی را برای کمک به زنان تشکیل دهیم. دقیقاً نمی دانستیم که این کمک چه نوع شکلی را بخود خواهد گرفت، ولی می دانستیم که می خواهیم درگیر مسائل زنان باشیم. نام این گروه را استپس "گامها" STEPS ماندم، تحت اللفظی به معنی گام برداشتن در راه توانمندی زنان.

در ابتدا ما کارهای زیادی را برای شاگردان دختر از قبیل ارائه کورسهای دفاع شخصی و توضیح مسائل حقوقی زنان برای آنها، انجام دادیم. طولی نکشید که STEPS مبدل به فضایی برای معلومات در مورد حقوق زنان و قانون شد. با دولت در تماس شدیم، مراکز کمکرسانی قضایی رایگان را که به ارتباط محکمه های ناحیه ای ایجاد شده و خدمات حقوقی به زنان فقیر ارائه می کردند را حمایت کردیم. متوجه شدیم که درگیر مسائلی شدیم همچون خشونت های جنسی، خانوادگی، ازدواجهای توافقی بین پسر و دختر بدون اجازه ی قبلی از والدین که معمولاً به بستوه آمدن عروس و داماد می پیوندد، مادران مجرد در جستجوی کمک، نوجوانانی که عاشق شده و جایی برای رفتن ندارند و مسائل مربوط به روسپیگری.

ضرورت به مداخله من در توانمند سازی زنان مسلمان

در دهه ۱۳۷۰، شاهد بودیم که اغتشاشات مسلمانان و هندوها به طور ناگهانی در بخشهای مختلف هند به جریان افتاده بود. در زمان آشوب، زنان بیشترین آسیب را دیده بودند - شوهری از خانه بیرون رفته تا احتیاجات خانه را بخرد ولی هرگز بازنگشته بود. برادری بیرون برای رفتن به چایخانه ای رفته و کشته شده بود. زنان با این همه مشکلات تنها مانده بودند. درین شرایط من متوجه آنچه که بر زنان رخ می داد، بودم. از سال ۱۳۷۴، وضعیت ۱۰۰۰ زن مسلمان را ارزیابی کردیم. از آنان سوالهای راجع به حقوقشان، در رابطه به آنچه که از قوانین اسلامی می دانند و آنچه که قرآن می گوید، پرسیدیم. متوجه شدیم که نادانی و بی خبری زنان از این موضوعات بسیار بالا است. همچنین متوجه این مساله شدیم که چگونه بیسوادی، فقر و ازدواجهای زود هنگام همگی علیه زنان عمل کرده است.

از سال ۱۳۵۶ تا ۱۳۸۰، بعضی از اعضاء شروع به تشکیل شبکه کردند. گروهی را به نام سایه تشکیل دادیم. این گروه شامل اعضای سازمانهای غیر دولتی مسلمان بود. بنابراین شروع به گفتگو در مورد مشکلات پیش روی کردیم - به ویژه عملیه ی سه طلاقه، آداب و رسوم مربوط به گرفتن جهیزیه و ندادن مهر (پولیکه به عروس تعلق می گیرد)، ازدواج زود هنگام، و فقر. ما گردهمای بزرگی از زنان مسلمان در سال ۱۳۸۰ دایر کردیم که در آن زنان زیادی از طرز برخورد موسسات اجتماعی چون جماعت ها و اتحادیه های وابسته به مساجد، نا خرسندی خود را اعلام کردند. زیرا بدون حضور زنان، زندگی آنها در این جماعت ها مورد بحث و گفتگو قرار می گرفت و مشکلاتشان بررسی می شد. زنان اینگونه استدلال کردند که اگر به جماعت راه داده نشوند جماعت خاص خود زنان را تشکیل خواهند داد. وشاید مسجد نیز بسازند برای اینکه جماعت در آن جمع شوند.

سفریکه هفت سال پیش آغاز گردیده بود ادامه دارد. ما هفته ای یک باریکدگر را ملاقات میکنیم، به عنوان جماعت وارد عمل می شویم، به دادخواستهای زنان گوش فرا می دهیم سپس قرآن را خوانده و پس از درک، از آن برای حل مشکلات بی عدالتی جنسیتی استفاده میکنیم. همه ی شما می دانید که مفهوم درک زنان و تعبیر مذهب ایشان، پدیده ای نو نیست. اولین زن مسلمانیکه دیدگاهش برای مسلمانان سراسر جهان مهم بود، عایشه همسر پیامبر بود. هم دوره های حضرت محمد(ص)، عایشه را به عنوان منبع قوانین مذهبی و متخصص تدوین و تصویب قوانین اسلامی تلقی می کردند. دانشمندان زن مسلمان به دلیل صداقت، بی طرفی و تهی بودن از سوء ظنهای عقلانی شهرت داشتند. تاریخ مبین آنست که زنان مسلمان همواره قدرتهای سیاسی ونویسندگان ادیبی تلقی می شدند. تاریخ ثابت می کند که مفسرین زن مسلمانی بوده اند که در آن عصر صدایی آنها خاموش شده و نشنیده مانده است. ما درین عصر باین باور هستیم که زنان مسلمان می توانند مذهب خود را تفسیر و آنرا درک کنند و عمری را بر مبنای برداشت و درک از آن زندگی کنند. اغلباً رهبران مذهبی و دانشمندان مسلمان اطمینان می دهند که در جامعه زنان مسلمان نسبت به زنان هند و و مسیحی از احترام بیشتری برخوردار هستند. استدلال آنها بر آزادی ازدواج مکرر بیوه، حق طلاق و دسترسی به قدرت برای زنان است. این امر شاید در دوران پیامبر(ص) درست بوده باشد. زیرا زنان آزاد به رفتن به مساجد بودند و نیز برای توضیح شکشان به اقامتگاه پیامبر مراجعه می کردند. ولی امروزه پویایی زن مسلمان به زنجیر کشیده شده و در تمام سطوح موقوف می گردد. صدای زنان مسلمان فرونشاند شده و بدبختی آنها در اتفاقات تاریک پنهان گشته، گریه ی آنها در اعماق وجودشان است، چراکه آنها نابسامان اند، در حاشیه قرار داده شده اند و برای جهان بیرون نامرئی اند.

در این زمینه اهداف STEPS شامل موارد ذیل است:

ایجاد آگاهی در میان زنان مسلمان در مورد دلایل تبعیض و خشونت علیه آنها. آنچه ما بیان می کنیم ریشه ی مذهبی ندارد بلکه نتیجه ی مرد سالاری و قدرت مردان است. ایجاد آگاهی ما با بحث و گفتگو در جماعت ها آغاز می شود. همچنین در شهرهای مختلفیکه ما مشکلاتمان را در محضر عام می گویم دست به کمپاین زدیم، در بعضی موارد جلساتی را برای ۲ الی ۳ روز برگزار کرده ایم تا به موضوعاتی از قبیل پدیده سه طلاقه و جهیزیه بپردازیم. در حال حاضر ما مجله ای را به نام جماعت زنان به چاپ می رسانیم. این مجله قرآن و حدیث را از دیدگاه حقوق زنان مورد بحث قرار می دهد و روی مسائل خاصی که مورد توجه جماعت قرار گرفته متمرکز است. این نشریه در مورد مسائل مورد توجه عامه در جهان اسلام، ابراز نظر میکند - مانند قتل بی نظیر بوتو و مشکلاتیکه بواسطه ی تسلیمه نسرین ایجاد شده است. ما همچنین در این مجله ستونی را تحت نام "حق خود را بدانید" داریم که در آن اصول اسلام ذکر و به بحث گرفته می شود.

استپس فضایی را برای زنان مسلمان فراهم می کند تا بتوانند در مورد مشکلاتشان بویژه خشونت های خانوادگی، بد رفتاری و تبعیض، صحبت نمایند. ما در باره ای مشکلات صحبت می کنیم و به زنان پیشنهاد می دهیم تا اینکه چگونه میتوانند از آن رهایی یابند. ما اعضای خانواده ی شان را نیز در این بحث و جدل وارد میکنیم. همچنین با جماعت محلی در مورد مشکلاتیکه بوجود آمده باشد، در ارتباط می شویم. در قضایایی که خشونت فیزیکی و ضرب و شتم موجود باشد از پلیس تقاضای یاری می جویم و هرگاه که نیاز باشد از مراجع قانونی نیز کمک خواهیم خواست. در این موارد جماعت به طور گروهی عمل می کند. ما همچنین از خانواده های که دچار مشکل هستند دیدن می کنیم و آنها را از لحاظ

عاطفی و روانی حمایت می‌کنیم.

استپس زنان را در گروه‌های خود-یاری سازمان دهی می‌کند. ما به دو دلیل این کار را می‌کنیم: مسلمانان هند از فقیرترین قشر در هند هستند، و زنان مسلمان بیشتر از همه بار فقر را به دوش می‌برند. برای اینکه زنان مسلمان را یاری بخشیم تا کسب و کاری براه اندازند ما برایشان قرضه‌ها و سایر خدمات را فراهم می‌کنیم. ما همچنین این گروه‌های خود-یاری را به عنوان اساس، جهت ایجاد جماعت‌مان استفاده می‌کنیم. در باره سایر مسائل هم با زنان صحبت می‌کنیم، به خصوص در مورد اینکه چگونه آنان حتی از حقوقی که قرآن برایشان در نظر گرفته محروم می‌شوند.

سیر تکاملی جماعت زنان مسلمان تا میل نادر

این سوال همیشه پرسیده می‌شود که چگونه جماعت تکامل می‌کند؟ ابتدا به ساکن، زنان زیادی به ما ملحق شدند. به مرور زمان نیاز میرمی به ملاقات احساس شد، بنابراین تصمیم به تعیین ملاقات‌های ماهانه گرفتیم. متوجه شدیم که همه ی ما در مورد دو موضوع بسیار ناخرسند هستیم:

(۱) قرآن به نحوی که بیشتر با منافع و صلاحیت مردان مناسبت داشته تعبیر و تفسیر شده بود. آنها از بیسوادی و نادانی زنان درگفتن اینکه چه چیز اسلامی و چه چیز غیر اسلامی است، سوء استفاده کرده اند. زمانیکه به زنان درنپوشیدن حجاب یا برسرکردن چادری خرده می‌گیرند از خود نمی‌پرسند که آیا خودشان مسلمانان خوبی هستند.

(۲) ثانیاً متوجه شدیم که این به اصطلاح جماعتها، که مرتبط با مساجد بوده و امور مربوط به جامعه را بحث می‌کنند از خود مردم نیستند. آنها انتخاب نشده بودند. این جماعتها حتی توسط مردم عاقل و خردمند هم اداره نمی‌شده و در اصل فضاهای مردانه برای تبعیض علیه زنان بودند.

زمانیکه مطلع شدیم، تصمیم گرفتیم تا خودمان را بیاموزانیم تا قرآن را خوانده و بفهمیم. این امر تبدیل به موضوع مهمی برای ما شد و ما شروع به ساختن جنبش خود ماحول آن شدیم تا به مردان نشان دهیم که قرآن چگونه حامی حقوق زنان بوده و چگونه مردان با رعایت نکردن آن گفته‌های قرآن را جدی نگرفته اند. اینطور بود که جماعت زنان تکامل یافت.

البته ما مطلع هستیم که قوانین دیگری نیز هست که ما در سایه آنها زندگی می‌کنیم – به عنوان مثال قانون اساسی و حقوق جزای هند. ما از مردان مسلمان خود می‌خواهیم تا مسلمانان یا شهروندان خوبی باشند – آنها یا باید با توسل به ایمانشان زندگی کنند که برطبق آن، قادر نخواهند بود با زنان بد رفتاری کنند و یا بر قانون سرزمینشان سر بزنند که برطبق آن باید زنان را برابر با مردان دانسته با ایشان به عدالت برخورد کنند. آنها نمی‌توانند مردسالار باقی مانده و خود را مسلمان خطاب کنند.

جماعت زنان به صورت روشهای ذیل شکل گرفته است

- جماعت زنان مسلمان در سطح ایالتی به عنوان مجمع دادرسی جهت رسیدگی به امور زنان مسلمان.
- جماعت زنان مسلمان در سطح ولسوالی، این مسائل را در سطح منطقه رسیدگی کرده و در صورت لزوم قضیه را به مجمع ایالتی برساند.
- جماعت در سطح ولسوالی همراه با جماعت‌های محلی، بمنظور کار با دولت، مجامع اجتماعی محلی و پلیس.

جماعت زنان فعالیت‌های ذیل را به طور مرتب انجام می‌دهد

- مبارزه جهت دفاع از حقوق زنان مسلمان با گرفتن یک روز روزه بطور سالانه که در چهار سال گذشته انجام شده است.
- ورکشاپ‌های در مورد شریعت و قوانین شخصی مسلمانان در که هند مرتباً به طور رسمی و غیر رسمی برگزار می‌شود.
- نشر مجله‌ی جماعت زنان.
- برگزاری کنفرانس‌هایی در رابطه با توانمند سازی زنان مسلمان حد اقل سالی یکبار که در پنج ساله گذشته صورت پذیرفته و در آن دانشمندان فمینیسم و فمینیسم اسلامی شرکت کرده اند.

در خواسته‌های زنان مسلمان بصورت متناوب به دولت و نهادهای مسلمان مانند هیات وقف و هیات قوانین شخصی مسلمان فرستاده شده است. این درخواست‌ها شامل لغو پدیده سه طلاقه، پایان دادن به رسم دادن جهیزیه، اصرار ورزیدن روی مهر و حق زنان مسلمان برای طلاق است.

تاثیر ظهور جماعت زنان مسلمان تامیل نادو

ظهور جماعت زنان مسلمان تامیل نادو به عنوان یک واقعه‌ی تاریخی در عصر تاریخی جامعه‌ی مسلمانان تلقی می‌شود. این جماعت زمینه مناسب را جهت اصلاحات در درون نهادهای مذهبی مسلمانان در سطح ایالتی و ملی فراهم کرده بود. ازینرو بعضی از جماعتها به سرکرده گی مردان نگاهی بخود انداخته و نسبت به مخاطب قراردادن مسائل زنان هشیارانه تر عمل می‌کنند. زمانیکه ازسپردن شدن دادخواستی به جماعت زنان باخبر می‌شوند، پیشقدم شده و خودشان عدالت را برقرار می‌کنند. آنها نمی‌خواهند که هیچ زنی به جماعتهای زنان برای بیان مشکل خود مراجعه کند. امروزه مردهای را داریم بخصوص فقیر و از طبقه کارگر که به جماعت زنان مراجعه می‌کنند و همبستگی خود را در رابطه با تلاشهای استپس در زمینه توانمندسازی زنان مسلمان نشان می‌دهند. مردانیکه هدف جماعت زنان را درک کرده اند، افتخار می‌کنند که عضو آن شوند و با تمام وجود از آن حمایت کنند. نهادهای مذهبی مسلمانان به نامهای مختلف بیانیه هایی را در گذشته در مورد موضوعات مذهبی ایراد کرده اند یا این نشست ها را بنام ارائه چگونگی رفتار برای زنان نامیده اند. ولی امروزه این امر به بیانیه ی روز جهانی زن، مسائل طلاق، جهیزیه و احترام و حمایت از اسلام، تغییر کرده است. فعالیت جماعت یا فدراسیون زنان توجه جهانی را بخود جلب کرده و از نمایندگان جماعت خواسته می‌شود تا در جلساتیکه توسط فمینیستها ویا گروههای زنان در اقسا نقاط جهان ترتیب یافته، سخنرانی کنند.

تهدید هایی علیه جماعت زنان:

اعضای جماعت زنان مورد توهین لفظی قرار گرفته اند. سیرت و اخلاقیات آنان زیر سوال برده شده بود و بعضی اوقات از سوی رهبران اجتماعات محلی تحریم شده اند. اعضای هیات رهبری جماعت زنان به طور مداوم تهدید به مرگ می‌شدند. گروههای مسلمان محلی، به خصوص مردان جوان به شدت جماعت را مورد انتقاد قرار داده و درصدد آنند تا به آنها بگویند که چطور لباس پوشیده و چگونه رفتار کنند. حتی این سوال که اصلا زنان باید در جماعت حضور داشته باشند یا نه. جراید مسلمان محلی حامی و طرفدار جماعت زنان نبوده و در بسیاری از موارد با این جماعت خصومت داشته اند.

برنامه های آینده ی جماعت زنان مسلمان تامیل نادو

از همان ابتدا اعضای جماعت علاقه مند به احداث مسجدی برای زنان بودند که این هدف بلند مدت آنها است. این مسجد شامل صحنی برای نمازگذاران زن مسلمان، مرکزی برای زنان بی بضاعت، خانه ای برای دختر بچه های مسلمان، فضایی برای یادگیری مهارت های خاص برای زنان واطفال، صنایع دستی و غیره خواهد بود. همچنین شامل یک مرکز مشاوره همراه با جماعت زنان برای فیصله کردن مشکلات زنان مسلمان، خواهد بود. اعضای جماعت همچنین مایل به اقدام علیه فقر در جامعه، تشویق سواد آموزی زنان و مبارزه علیه ازدواج های زود هنگام هستند. برای رسیدن به این منزل، آنها قصد دارند بودجه ای ابتدایی را تنظیم کرده برای کمک به زنان در شروع تجارت های خرد، آموزش تکنولوژی مدرن به آنها و اینکه هم از لحاظ اقتصادی و هم اجتماعی مستقل باشند، بکارگیرند.

ضمیمه ای درباره ی قانون شخصی مسلمانان در هند

در هند سه نوع قانون داریم:

- قانون جزایی که بر تمامی شهروندان هند، بدون در نظر داشت مذهب و گروه قابل اجرا است.
- قانون مدنی که بسیاری از جنبه های آن بر تمامی شهروندان قابل اجرا است.
- و سرانجام قانون شخصی که توسط گروههای اقلیت پیروی شده و صرف روی آنها قابل اجرا است مانند مسلمانان و مسیحیان.
- جدا از همه ی اینها، بر مبنای قانون اساسی هند و حقوق ابتدایی، به عنوان شهروند این حق به ما اعطا شده که طالب عدالت و برابری برای خود باشیم.

و حال سوال اینجاست که آن قوانین شخصی که بر مسلمانان قابل اجرا هستند، چه قوانینی اند؟ بسیاری از ما می‌دانیم ویا شنیده ایم که مسلمانان از شریعت پیروی می‌کنند. در بعضی از کشورها که مسلمانان اکثریت را تشکیل می‌دهند، قانون شریعت قانون کشور است. اگر چه شریعت آنطور که در واقع است هیچگاه اجرا نشده است، همیشه توسط علما

تفسیر و تعبیر شده است، آنانیکه قرآن را خوب می‌دانند و از آن چیزهاییکه علمای اسلامی در قیل گفته‌اند، مطلع هستند. بنابراین در تفکر شرعی اسلامی چهارمکتب وجود دارد: حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی. هرکدام ازین مکاتب شیوه‌های تفسیر و تعبیر خود را داشته و تعبیر مختلفی را از سوره‌ها و مفاهیم قرآنی داده‌اند. در گذشته‌های دور، زمانیکه حکمرایان اسلامی بر بیشتری از مناطق هند حکومت می‌کردند، این دانشمندان حقوقی میبایست تنها عالم نبوده بلکه اشخاصی حکیم، مهربان، باشخصیت و با اخلاق می‌بودند. در صورتیکه این افراد این ویژگی‌ها را می‌داشتند، تعبیر و تفسیر آنان درست و معتبر تلقی می‌شد. امروزه می‌بینیم اشخاصی که حتی قرآن را بخوبی نمیدانند، و نه باخلاقند، به خود اجازه داده و می‌گویند این و آن برمبنای شریعت است. در کشورهای مثل بنگلادش و پاکستان شریعت توسط محکمه‌ها تعبیر و تفسیر می‌شود و در بسیاری از موارد قاضی‌ها قانون را به روان عدالت و فروتنی و با احترام به زنان اجرا کرده‌اند.

برعلاوه ی این ۴ مکتب قانونی، جوامع اسلامی تحت تأثیر آداب و رسوم خود نیز هستند. به عنوان مثال زنان مسلمان تامل تالی می‌پوشند ولی این موضوع برای زنان مسلمان در جای دیگر صدق نمی‌کند. زیرا مسلمانان تامل با اینکه مسلمانند از آداب و رسوم خود پیروی می‌کنند. چنانچه که می‌دانیم، اسلام شامل گروه‌های زیادی است: سنی، شیعه، احمدیه، بوهره و غیره. جوامع گوناگون از قوانین مختلفی نیز تبعیت می‌کنند. بعضی اوقات افراد قوانینی خاصی را تبعیت می‌کنند که توسط یک مکتب گذاشته شده است و قوانین دیگر در مکتب دیگر. به عنوان نمونه در مذهب حنفی، اگر مردی زنش را ترک کند وی مجبور است تا ۹ سال منتظر وی بماند و بعد ازدواج کند. این طبعاً غیر عملی است و بسیاری از مسلمانان در این رابطه از مذهب مالکی تبعیت می‌کنند زیرا طبق این سیستم زن فقط مجبور است ۳ سال انتظار بکشد و بعد می‌تواند که ازدواج کند. مسلمانان سنی که در هند در اکثریت بسر می‌برند، از مکتب حنفی تبعیت می‌کنند. اگرچه درینجا هم از تمام مسائلی که توسط علمای حنفی گفته شده تبعیت نمی‌کنند. مفهومی که توسط علمای حنفی به شریعت داده شده است در زمان تسلط بریتانیا به قانون مبدل شد. این قانون را انگلو-محمدی می‌نامند و آن همین قانونی است که امروزه بر مسلمانان هند قابل اجرا است.

قوانینی که بر مسلمانان هند قابل اجرا است در زمان تسلط بریتانیا شکل گرفت. طبق قانون شریعه ۱۳۱۶، از آن به بعد با در نظر داشت تمام موضوعات به غیر از اراضی زراعتی، بر مسلمانان قانون شخصی مسلمانان قابل اجرا خواهد بود. و تا آنجا که مربوط به قانون شخصی می‌شود، در آن دو پیمان مهم وجود دارد. فسخ قانون ازدواج مسلمان ۱۳۱۸ و قانون حمایت از زنان در حق طلاق ۱۳۶۵. زمانیکه در این موارد به قاضیان مراجعه می‌شود طبق این دو پیمان، قضاوت‌های قبلی، آنچه علمای مکتب حنفی و بصورت عموم قانون اسلامی گفته است، به آنها رسیدگی میشود. این بدین معنی است که از جنبه‌های قوانین اسلام هنوز مفاهیم زیادی مانده که باید در مفاد هندی آن بطور کامل توضیح داده شوند. و هرگاه محکمه حکمی می‌کند بر اساس قضاوت‌های فردی قضات و از تجربه و مطالعات آنان است. منظور ما از اینکه می‌گوییم بعضی چیزها تعریف نشده‌اند، چیست؟ به عنوان مثال تمامی مکاتب اسلامی بر این باورند که رضایت زن شرطی مورد نیاز در ازدواج قانونی و شرعی، است. ولی ما قانونی که رضایت و چگونگی اخذ آنرا بیان کند، نداریم. این موضوع در مورد طلاق سه گانه نیز صدق می‌کنند: امروزه ما فقط قضاوت محکمه ی عالی را در اختیار داریم که سه طلاقه را غیر قانونی و مغایر با اسلام می‌داند. ما قانون مشخصی در رابطه با سه طلاقه نداریم.